

هو العليم

كلام امير المؤمنين عليه السلام در رابطه با حذاقت رسول خدا در معالجة امراض روحى

بسم الله الرحمن الرحيم

امیرالمؤمنین علیه السلام در «نهج البلاغه» خطبه‌ای دارد که در ضمن آن راجع به حذاقت رسول خدا در معالجهٔ امراض روحی، جمله‌ای را بیان میفرماید که حَقًّا آن جمله، دربارهٔ قرآن و حذاقت آن صادق است.

طَبِيبٌ دَوَّارٌ بِطَبِّهِ. قَدْ أَحْكَمَ مَرَاهِمَهُ. وَ أَحْمَى مَوَاسِمَهُ. يَضَعُ ذَلِكَ حَيْثُ الْحَاجَةُ إِلَيْهِ؛ مِنْ قُلُوبِ عُمَى، وَ
ءَاذَانِ صُمَّ، وَ أَلْسِنَةِ بُكْمٍ. مُتَّبِعٌ بِدَوَائِهِ مَوَاضِعَ الْغَفْلَةِ، وَ مَوَاطِنَ الْحَيْرَةِ.

«رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ طبیعی بود که در طبِّ خودش دَوَّار بود. (یعنی زیاد دور میزد بر روی مرض، و اقسام آن، و ارتباط امراض با هم؛ و زیاد دور میزد بر روی دارو و درمان. و حکیم حاذق و مطلع به همهٔ جوانب مرض و تمام طرق درمان آن بود.) که آنحضرت مرهمهای خود را خوب استوار میساخت، و در عین حال آلهای داغ را برای سوزاندن موضع فساد و زخمهای عفونی خوب داغ میکرد و میگذاخت. و در اینصورت آن مرهمها را و آن آلهای داغ کننده را بر جاهائی که لازم بود و نیاز به مرهم گذاری و یا داغکردن بود، می نهاد.

مواضع مورد حاجت به مرهم نهادن و داغ کردن، دلهائی بود که کور شده بودند، و گوشهائی که کر شده بودند، و زبانهائی که گنگ و لال گردیده بودند.

رسول خدا این داروهای خود را به مواضع غفلت و بیخبری، و مواطن حیرت و سرگردانی میرسانید، و میکشانید تا بدانها برسد.»

دواهائی که برای قلبهای کور مفید است، دواهائی است که فهم را باز میکند، و وجدان را بیدار مینماید. و آنچه برای گوشهای کر مفید است، إنذار و وعده، و موعظه، و تخویف و تحذیر، و ترغیب و تشویق؛ و آنچه برای زبانهای لال مفید است، خصوص آن داروئی است که زبان را به ذکر خدا درآورد و آن لسان گنگ را گویا سازد. مرحوم ملا فتح الله کاشانی در «شرح نهج» فرموده است: «امیرالمؤمنین علیه السلام از طَبِيبٌ دَوَّارٌ بِطَبِّهِ، نفس نفیس خود را اراده نموده است.» ولیکن از ظاهر سیاق، بعید است.

باری، روح مقدس رسول الله که حقیقت قرآن است؛ همانطور که طَبِيبٌ دَوَّارٌ بِطَبِّهِ است، قرآن هم طَبِيبٌ دَوَّارٌ بِطَبِّهِ است که بشر را از امراض مهلکه و خانمانسوز نجات میدهد